

نقش فضای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار (مطالعه موردی: پارک شفق محله یوسف آباد تهران)

ژیلا سجادی*

بهرنگ کلانتری**

تاریخ پذیرش: 1395/04/23

تاریخ دریافت: 1394/10/08

چکیده

شهرها پیش از آنکه پدیده‌هایی مهندسی باشند، پدیده‌هایی اجتماعی هستند؛ که در نتیجه روابط فضاهای عمومی نشان می‌دهند. فضاهای عمومی از طریق فراهم کردن بستری برای مشارکت، سرزندگی، هویت و حس تعلق، شهروندی، گذران اوقات فراغت و... سبب شکل‌گیری، شهری می‌شوند که ما از آن به نام شهر شهروندمدار یاد می‌کنیم. در واقع شهر شهروندمدار، شهری است متعلق به شهروندان که تجربه با هم و در کنار هم بودن را به ساکنین خود می‌دهد که در نتیجه آن هیچ لحظه‌ای شبیه لحظه‌ی قبل یا بعد نیست و ساکنین زمان‌های متفاوتی را در فضا تجربه خواهند کرد. بنابراین مهم‌ترین بعد اجتماعی در شهرها، شهروندان و مهم‌ترین بعد کالبدی و فیزیکی در شهرها فضاهای عمومی هستند. هدف این پژوهش پی بردن به نقش فضای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار از طریق شهروندی، سرزندگی، حس تعلق و هویت، مشارکت و تعامل، گذران اوقات فراغت، در شهر است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با سطح اطمینان 95 درصد 120 تن تعیین و داده‌های مورد استفاده در این پژوهش به صورت کیفی و از طریق پرسشنامه از ساکنین محله یوسف آباد که در پارک شفق حضور داشتند جمع‌آوری شده است. با تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون پیرسون و رگرسیون نرم افزار SPSS نتیجه‌گیری شد که فضاهای عمومی می‌توانند بستر لازم برای شکل‌گیری شهر شهروندمدار را فراهم کنند.

کلید واژگان: شهر شهروندمدار، فضا، فضای شهری، فضای عمومی، محله یوسف آباد

* دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران kalantari.nima4@gmail.com

1- مقدمه و بیان مسئله

انسان به عنوان مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای شهری نیازمند بستری مناسب جهت حضور مؤثر در فضاهای شهری می‌باشد. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی، مستلزم وجود فضا و فرارگاه کالبدی است و فضای عمومی¹ ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود (دانشپور و چرخچیان، 1386: 19). امروزه شهروندان بیشتر وقت خود را در فضاهای خصوصی² می‌گذرانند، و فضاهای خصوصی روز به روز گسترش می‌یابند و فضاهای عمومی به مسیرهایی برای ارتباط فضاهای خصوصی بدل گشته‌اند. این در حالی است که به دلایل مختلف از جمله گرایش به زندگی ماشینی، حضور گسترده وسایط نقلیه و تغییر چهره شهر به واسطه چیرگی اتومبیل بر فضای شهری، افزایش سرعت جا به جایی، جدایی‌گزینی مردم از فضاهای عمومی، نادیده‌انگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای عمومی، بی‌توجهی به حفظ و ارتقای حیات جمعی در دهه‌های پیشین، برخی از این فضاها در مقیاس‌های مختلف شهری اهمیت و نقش خود را از دست داده‌اند (شجاعی و پرتوی، 1394: 94) و شهرها به نیاز انسان به عنوان یک موجود اجتماعی به درستی پاسخگو نبوده و مردم تنها به شهر به عنوان مسیری برای گذر می‌نگرند. فضاهای عمومی شهری به واسطه عدم حضور شهروندان به مرور زمان، بعد اجتماعی خود را از دست داده‌اند. در واقع این فضاها به جای آن که مردم را به مکث و حضور و برقراری مراودات اجتماعی دعوت کنند، به عبور تشویق می‌کنند (Gehl, 56, 2004). فضاهای عمومی شامل مکان‌هایی برای مناسبات و روابط بیرونی، برهمکنش‌ها، تغییرات و رویارویی‌های اجتماعی است که گروه‌های مختلف با خواستها و علایق متفاوت گرد هم می‌آیند (ایراندوست و غلامی زارچی، 1394: 48) و به شهروندان این امکان را می‌دهند که به فعالیت‌های دلخواه خود در شهر بپردازند. در حقیقت خلق فضاهای عمومی در شهرها نمایانگر توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌های توسعه شهری است که نه تنها به مفهوم برخورداری از شهری با کیفیت محیطی بالا و در شأن مردم است بلکه به نوعی دعوت ساکنین به مشارکت در امور شهری و شهروندمداری است. شهر بیش از هر چیز باید به شهروندان خود تعلق داشته باشد و شهروندان به مثابه مالکان اصلی شهر باید همواره در فرایندهای مختلف برنامه‌ریزی، اجرا و مدیریت شهر حضور داشته باشند (Sarvarzadeh & Syad Zainol, 2012, 217). فضاهای عمومی شهر در حقیقت منشأ شکل‌گیری شهری مطابق با خواسته، نیاز و علاقه شهروندان یا در یک کلام شهر شهروندمدار می‌شوند. امروزه باید به این نکته توجه کنیم که فضاهای عمومی، فضاهایی هستند که شهروندان می‌توانند آزادانه از هر

¹ Public Space² Private space

قشر، طبقه و جنسی در آن حضور پیدا کرده و از آن استفاده کنند؛ و باعث سرزندگی، حس تعلق، مشارکت، تعامل، شهروندی و... شوند. دقیقاً به دلیل همین ویژگی‌ها می‌باشد، که فضاهای عمومی می‌توانند سبب ایجاد شهر شهروندمدار شوند. در نتیجه وجود این فضاها در شهرها و کشف دوباره آن‌ها الزامی است. با توجه به اینکه ما در دورانی بسر می‌بریم که در ایران به ویژه در کلانشهر تهران نشانه‌های افول زندگی عمومی در فضاهای شهری علیرغم تمامی تلاش‌ها درحال ازبین رفتن است و جامعه به سمت متمیز شدن می‌رود، فضاهای عمومی فرصتی برای تبدیل شهر فردگرا به شهری جمع‌گرا و شهروندمدار هستند. محله یوسف آباد در منطقه 6 تهران به دلیل تراکم جمعیتی بالا نسبت به سایر محلات منطقه، گسترش زندگی آپارتمانی، فشرده شدن فیزیکی محله، حذف تدریجی مراکز سکونتی به نفع توسعه فعالیت‌های خدماتی، تجاری در محله سبب مشکلاتی چون کاهش تعاملات اجتماعی و به تبع آن انزوا، بی‌تفاوتی و کاهش حس تعلق، مشارکت، سرزندگی در بین ساکنین محله شده است. از سوی دیگر افزایش قیمت زمین در محله مانع تخصیص زمین به کاربری‌های با کارکردهای جمع‌گرا و تعامل‌زا به عنوان عرصه‌های مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی ساکنین شده است. در حالی که فضاهای عمومی مناسب با کارکردهای جمع‌گرا، چون پارک شفق می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری شهر شهروندمدار در محله و نهایتاً باعث سرزندگی، حس تعلق، مشارکت، تعامل، شهروندی و... در بین ساکنین شود. چرا که فاصله مناسب پارک شفق از خیابان اصلی و فرعی و سهولت دسترسی به آن عامل عمده‌ای در جذب مراجعین به این پارک محسوب می‌شود به نحوی که توزیع زمان‌های استفاده مراجعین در دفعات روز، هفته و... در پارک شفق از تداوم و همگونی بیشتری نسبت به پارک‌های بزرگتر برخوردار است. شعاع نفوذ پارک عامل دیگری در طراحی پارک محله‌ای محسوب می‌شود و پارک شفق نیز چون در محله واقع شده است، به خاطر موقعیت خود پیمودن فاصله کمتری را برای استفاده کنندگان محلی و محله‌های اطراف الزامی می‌سازد. این امر از قابل دسترس بودن و انگیزه استفاده از آن ناشی می‌شود. حریم پارک نسبت به محیط اطراف (خیابان) و امنیت و پاکیزگی، آرامش و صفای آن و وجود سرای محله، شورایاری محله، سالن آمفی تئاتر؛ تماشاخانه، کتابخانه و فرهنگسرا در درون پارک، تاثیر مطلوبی در نحوه استفاده از پارک شفق در بین ساکنین محله ایجاد کرده است. این پژوهش برآنست تا با بررسی پارک شفق به عنوان تنها فضای عمومی در محله یوسف آباد در منطقه 6 تهران، به نقش آن در همگرایی، تعامل اجتماعی، حس تعلق، گذران اوقات فراغت، سرزندگی و مراودات شهروندان و در یک کلام نقش آن در شکل‌گیری شهر شهروندمدار بپردازد. جامعه مورد مطالعه ما از طریق نمونه‌گیری تصادفی 120 نفر از ساکنین محله یوسف آباد در منطقه 6 تهران که همگی در پارک شفق حضور داشتند. سوال اصلی این پژوهش این است که فضاهای عمومی چه نقشی در تعامل و مشارکت، شهروندی، سرزندگی، گذران اوقات فراغت و حس تعلق

ساکنین محدوده مورد مطالعه دارد؟ براساس این سوال به فرض زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و تعامل و مشارکت، شهروندی، سرزندگی، گذران اوقات فراغت و حس تعلق رابطه وجود دارد.

2- مبانی نظری پژوهش

نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر تعریف می‌شود. فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابند (Carmona, 34, 2010). در واقع فضاهای شهری در نتیجه کنش جمعی شهروندان ایجاد می‌شود.

1-2- فضاهای عمومی شهری

مفهوم فضای عمومی اصطلاح دشوار و غیرشفافی برای مطالعه است. در ادبیات فضای عمومی از آن با عنوان ((اصطلاح بی ثبات)) نام می‌برند. دلایل متعددی برای بی ثباتی و دشواری مفهوم فضای عمومی وجود دارد. نخست اینکه در این موضوع در سطح نظری، دیدگاه‌ها و تعاریف چند رشته‌ای متناقض و گیج کننده زیادی وجود دارد. دوم اینکه در سطح عملی و واقعی، ساخت مکان‌های عمومی، همچون تولید محیطی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی پیچیده برای گروه‌های اجتماعی است و سوم اینکه در سطح فردی نیز فضای عمومی سازه شخصی و ذهنی است. یک فضای عمومی برای شخص ممکن است عمومی، باشد ولی برای شخص دیگر چنین نباشد (اشرفی و همکاران، 438 : 1393). برای سوال ساده اما کاملاً فریبنده فضای عمومی شهری چیست مجموعه‌ای از تقسیم‌بندی‌ها متفاوتی ارائه شده است که در جدول شماره 1 به‌طور خلاصه ارائه شده است.

جدول (1) انواع تقسیم بندی فضای عمومی

تعریف	نویسنده و عنوان اثر	انواع فضای عمومی
فضای عمومی خارجی: قطعاتی از زمین که بین املاک خصوصی قرار دارند. مانند میدان‌های شهری، خیابان‌ها، شاهراه‌ها، پارک‌ها و پارکینگ‌ها و ... این فضاها که توسط عموم قابل دسترس‌اند فضاهای عمومی را به خالص‌ترین شکل خود نشان می‌دهند	(کارمونا، 2010) فضای عمومی ابعاد مدیریت	فضای عمومی به طور عام
فضای عمومی داخلی: فضاهای عمومی داخلی شامل کتابخانه، موزه‌ها تئاتر شهرها و غیره ، تسهیلات رفت و آمد عمومی چون قطار، ایستگاه‌های اتوبوس، فرودگاه‌ها و غیره را شامل می‌شود		
فضای داخلی و خارجی نیمه عمومی: فضاهایی چون محوطه دانشگاه‌ها، زمین‌ها ورزشی، رستوران‌ها، سینماها و مراکز خرید، اگرچه از نظر قانونی، خصوصی محسوب می‌شوند اما بخشی از قلمرو فضای عمومی را تشکیل می‌دهند. این تیپ فضای شهری عموماً به عنوان فضای عمومی - خصوصی نام- گذاری می‌شود. (Carmona,4,2010)		
فضای نرم: فضایی طبیعی در داخل یا خارج از شهر است که باغ‌ها، پارک‌ها و فضاهای سبز را شامل می‌شود. همچنین از شلوغی شکل شهر می‌کاهد، در واکنش به فشردگی محیط ساخته می‌شود و عملکردی تفریحی دارد	(منش، 2007)، فضای عمومی	فضای عمومی از لحاظ درجه سختی
فضای سخت: فضایی است که از اطراف به بدنه‌های معماری شده محصور می‌شود. این فضا قابل اندازه‌گیری و قابل ادراک است و فعالیت‌های انسانی در آن جاری هستند. (Mensch,38,2007)		
میدان، نماینده ی تعلق جمعی کافه، نماینده مبادله اجتماعی خیابان، نماینده برخورد غیر رسمی (تانکیس، 104:1390)	(تانکیس، 2006) فضا، شهر و نظریه اجتماعی	فضای عمومی به شیوه قیاسی
فضایی، که فرد متعلق به خود می‌داند و در آن احساس راحتی می‌کند، مکان سوم، فضای عمومی و نیمه عمومی ، مانند کافی شاپ یا پارک است؛ جایی که مردم برای گفتگو یا برقراری رابطه صمیمانه دور هم جمع می‌شوند. این مکان نه خانه است (مکان اول) و نه محل کار (مکان دوم) (شارع پور، 1389: 220).	(اولدنبرگ 1992) مکان عمومی خوب	مکان سوم
فضای عمومی تک ذهنی: فضایی است که طراحان و برنامه ریزان آن فقط هدف در ذهن دارند و کسانی که از آن‌ها استفاده می‌کنند نیز فقط یک چیز در ذهن خود دارند، انسان‌ها در این فضا، اغلب در عجله و شتاب هستند	(مایکل والزر 1999) زمین عمومی	فضای عمومی ذهنی
فضای عمومی دارای ذهن باز: فضایی است که برای کارکردهای مختلف طراحی می‌شود و حتی کارکردهای پیش‌بینی نشده‌ای دارد. در واقع انسان‌ها در فضاهای مختلف رفتارهای متفاوتی دارند انسان‌ها در این فضا، عجله‌ای ندارند، بلکه بیشتر به بررسی زنی مشغول می‌شوند (شارع پور، 1389: 227).		

انواع تقسیم بندی فضای عمومی

فضاهای عمومی عنصر ضروری برای زندگی اجتماعی هستند، و حرکت در فضاهای شهری را ممکن می‌کند، از تبادل اطلاعات و آگاهی حمایت می‌کند، اجتماع پذیری را آسان می‌کند و کیفیت محیط‌های شهری را غنی می‌سازند و کمک شایانی به زندگی سیاسی و فرهنگی می‌کند. (Madanipour, 1, 2012). این فضاها ممکن است به صورت برنامه‌ریزی شده خلق شده باشند یا به صورت خودجوش و در نتیجه استفاده مکرر مردم از یک فضا برای یک فعالیت معین به وجود بیایند. شرط اساسی برای اینکه یک فضای شهری، فضای عمومی تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد بر این اساس تنها راه حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی، نه روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، بلکه حوزه فعالیت فضاهای عمومی است (Hagelskamp, 2003:24).

2-2- نظریه پردازان با رویکرد تعاملات اجتماعی فضاهای عمومی شهر

پاول زوکر

تمرکز اصلی در مطالعات پاول زوکر پیرامون فضاهای شهری میدان است، از نظر او میدان همچون توقفگاهی روانی در منظر شهری و محلی است که تعاملات اجتماعی افراد را در خود جای می‌دهد. در عین حال زوکر طراحی فضاهای شهری را تنها محدود به ابعاد شکلی و زیبایی بصری ندانسته و بر جنبه‌های اجتماعی و فعالیت‌های جاری در فضا به شدت تاکید می‌نماید. همچنین زوکر معتقد بود که فضا به کمک تجربه حرکت انسان درون آن، ادراک می‌شود (کاشانی جو، 1389:99)

جین جیکوبز¹

جین جیکوبز روزنامه نگار و صاحب نظر برجسته مسائل شهری در کتاب مرگ و حیات شهرهای بزرگ آمریکایی² بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تاکید می‌نماید. به باور او آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی شهر بویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن می‌باشند. از دید جیکوبز خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن، مهم‌ترین مکان‌های همگانی یک شهر هستند؛ اگر خیابان‌ها جذاب باشند، به تمام شهر نیز حس جذابیت را خواهند داد (جیکوبز، 1388:215). او یکی از ویژگی‌های فضاهای عمومی شهرهای بزرگ را این می‌داند که پر از غریبه هاست، نه تنها بیگانه‌هایی از محله‌های دیگر، بلکه همسایه‌هایی که حتی همدیگر را نمی‌شناسند (پاکزاد، 1389:131)

¹ Jane Jacobs

² The Death and Life of Great American Cities

ویلیام وایت

دیگر نظریه پرداز برجسته ای که البته بدون اینکه معمار یا شهرساز باشد در حوزه مسائل اجتماعی و رفتارشناسی در فضاهای شهری تاثیرگذار بوده، ویلیام وایت می‌باشد. در نظر او رفتار مردم در فضاهای شهری به صورتی عجیب غیرقابل پیش‌بینی است و آنچه بیش از هر عامل دیگری مردم را به خود جذب می‌نمایند حضور افراد در فضاهای عمومی است.

یان گل^۱

یان گل، معمار و شهرساز دانمارکی است که محور اصلی پژوهش‌های خود را بر روی تعامل مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی با فضاهای همگانی شهری متمرکز نموده و از دهه 1970 در طول در حدود سه دهه بیش از چندین کتاب در این ارتباط تالیف نموده است. به باور او شهروندمداری یک شهر را می‌توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای عمومی آن گرد می‌آیند و وقت خودشان را در آن جا می‌گذرانند، شناسایی کرد (گل و بییگت، 1394:3). گرچه گل مخالف جداسازی کامل آمد و شد سواره و پیاده است اما شهر با آمد و شد آرام را همچون شهر زنده و شهروندمداری معرفی می‌کند که در آن، شمار افراد بیشتری از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند و بودن در فضا، زمان بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد (کاشانی جو، 1389:99)

3-2- شهر شهروندمدار

برای واکاوی و شناخت بیشتر شهر باید به بعد اجتماعی شهر تاکید کرد؛ شهر تنها فضای فیزیکی یا کالبدی نیست بلکه دارای فضای اجتماعی است، که مستقیماً با شهروندان مرتبط است برای این بعد از شهر کاری از معماران و شهرسازان ساخته نیست و خود شهروندان باید وارد عمل شوند (افروغ، 1377:139). لوفور دقیقاً در کتاب خود حق بر شهر، بر همین موضوع تاکید دارد؛ که شهر به عنوان یک فضای کالبدی که در ارتباط مستقیم با فضای اجتماعی شهرنشینی است، باید از ظرفیت‌های لازم برای تقویت و رشد اجتماعی بیشتری برخوردار باشد (همان منبع: 142). از آنجایی که شهر به مثابه اثر هنری بازتاب کثرتگرایی و تعدد آرا و نیازهای ساکنان است، پس دسترسی همگانی و آزاد به فضای شهر (عرصه عمومی شهر) پیش نیاز حق شهروندان است. از این رو حق شهر در برگزیده فرایند مستمر و فعال تخصیص فضا به شهروندان می‌باشد. تأکید لوفور بر اختصاص دادن فضا به شهروندان بر مبنای حق استفاده ساکنان شهر از تمامی فضاهای شهر می‌باشد (معروفی، وحیدی برجی، 1394:7). حق حضور در شهر را فقط نمی‌توان یک حق فردی دانست، این امر نیاز به تلاشی جمعی و شکل‌دهی سیاست‌های جمعی حول همبستگی‌های اجتماعی دارد (مارکوس و همکاران، 1392:88). در واقع شهر برخواسته از اندیشه شهروندان است، و این شهروندان هستند که شهر را بر اساس

¹ Jan Gehl

وفاق اجتماعی خود شکل می‌دهند. در یک کلام می‌توان گفت شهر بازتابی است از جامعه و شهروندان و روابط اجتماعی میان شهروندان که بر سطح زمین به تصویر کشیده شده است. شهر شهروندمدار محصول جامعه‌ای است استوار بر وفاق اجتماعی که در آن جامعه مدنی نیرومندی تولد و تکامل یافته است. درچنین جامعه‌ای، قانون که نهادیه شده و مورد قبول آحاد مردم است، حد و مرز عرصه‌های سه گانه زندگی یعنی خصوصی، عمومی و حکومتی و رابطه آنها را تعیین می‌کند (پیران، 1376:26). در شهر شهروندمدار، افراد که عنوان شهروند را یدک می‌کشند در هر عرصه صاحب حقوق مشخص، تعریف شده و نهادینه اند، نظام سیاسی به مشروعیت نیازمند است و حتی کاربرد زور که گاه خشن و ترس آور است باید با فرایندهای قانونی همراه باشد و مشروع به نظر آید(همان منبع، 27).

مشخصه‌های شهر شهروندمدار به شرح ذیل است:

1. شهری که در آن مدیریت شهری ضمن شفافیت و پاسخ‌گویی در عملکرد خویش تمام تلاش و مساعی خود را در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توجه به خواست و نظر مردم به انجام برساند.

2. شهری که شهروندان آن ضمن مشارکت و مسئولیت‌پذیری در کلیه امور شهر نسبت به مدیریت شهری اعتماد داشته و به شهر خود تعلق مکانی داشته باشند

3. شهری که دسترسی به امکانات و خدمات شهری برای استفاده شهروندان مناسب بوده و شهروندان بدون دغدغه و در کمال آسایش به امکانات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند (نظریان و شوهانی، 1390:140).

برای تحقق بخشیدن به شهر شهروندمدار ما نیازمند بستری هستیم که آن بستر، فضاهای عمومی یک شهر هستند.

4-2- شهر شهروندمدار و فضای عمومی

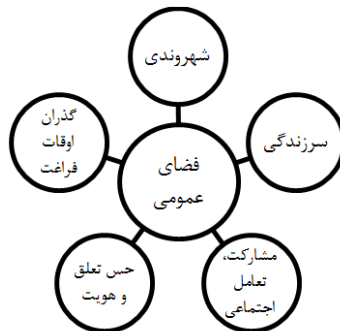
فضاهای عمومی شهری بخش مهمی از فضای شهر هستند که شهروندی، هویت، پویایی، شادابی و سرزندگی، اوقات فراغت، مشارکت و... را به نمایش می‌گذارند. دراین فضاهاست که روابط اجتماعی و همگرایی شکل می‌گیرد. انسان به عنوان بهره‌بر و عامل اصلی پدید آورنده شهر، همواره با حضور خود دراین فضاها روح زندگی را به کالبد شهر می‌دمد. در حقیقت خلق فضاهای عمومی در شهرها نمایانگر توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌های توسعه شهری است که نه تنها به مفهوم برخورداری از شهری با کیفیت محیطی بالا و در شأن مردم است بلکه به نوعی دعوت ساکنین به مشارکت در امور شهری و شهروندمداری است. زندگی شهری در شهرهای غیرشهروندمدار، بر عکس شهرهایی که جایگاه شهروندان است، در دو عرصه خلاصه می‌شود: عرصه خصوصی و عرصه حکومتی. عرصه خصوصی که مکان یا فضای خانگی را در بر می‌گیرد، عرصه‌ای امن تلقی می‌شود و خارج از خانه عرصه خصم به حساب

می‌آید. در مقابل در شهرهایی که حقوق شهروندی وجود دارد همچون شهرهای اروپای غربی از زمان آتن و رم ما با سه عرصه روبه‌رو بوده‌ایم: عرصه خصوصی، عرصه حکومتی و عرصه عمومی. وجود عرصه عمومی که به شهروندان تعلق داشته است و محل بروز و شکل‌گیری علایق جمعی است آنان را به شهر علاقه‌مند می‌سازد و معمولاً بین عرصه خصوصی و عرصه عمومی حایل کم رنگ وجود دارد و فضاها بدون واسطه به هم متصلند (پیران، 1376: 49). بخش عمده گذران اوقات فراغت، مشارکت، هویت، شهروندی و... در عرصه عمومی اتفاق می‌افتد. عرصه عمومی همچنین محل تصمیم‌گیری در باب شهر است و نظر شهروندان در تحولات فیزیکی شهر جایگاه ویژه‌ای دارد و حتی برای کوچک‌ترین و به ظاهر بی‌ارزش‌ترین امور باید به نظرسنجی از اهالی هر محله پرداخت و رضایت آنان را جلب کرد. وجود عرصه عمومی و اهمیت آن، شهرسازی اندیشیده و از پیش طرح ریزی شده را در دستور کار قرار می‌دهد معماری کلان که به طراحی چند بنای مهم محدود نیست و بر تولید فضا حاکم می‌گردد. مرزبندی عرصه‌های خصوصی و عمومی کم رنگ می‌شود که یکی جزئی از دیگری و ادامه آن به حساب می‌آید. شهر وحدتی درونی می‌یابد، شهروندان صاحب حقوق آن را متعلق به خود می‌انگارند و در حفظ و توسعه آن می‌کوشند. بعدها یعنی در اوایل قرن بیستم که شهرسازی معاصر مطرح گردید و برنامه‌ریزی شهری که در اروپای غربی سابقه‌ای کهن دارد و از دستاوردهای تمدن یونانی است، دوباره جان گرفت، نظرسنجی از شهروندان جز لاینفک طرح‌های شهری به حساب آمد (همان منبع، 50).

در شهر شهروندمدار فضای عمومی، فضای اجتماعی مهمی تلقی می‌شود و نظر به ضرورت تجمع دایمی شهروندان، اندیشیده شکل می‌گیرد و نظم هندسی می‌یابد و به فضای وسیع (میدان) یا به اماکن مهم گرد آمدن شهروندان ختم می‌شود، در حالی که در شهرهای غیر شهروندمدار فضای عمومی تنها گذرگاه است و در فرهنگ عمومی، ایستادن در معابر نهی می‌شود و کار آرازل و اوباشانی است که از منزلت اجتماعی چندانی برخوردار نیستند (پیران، 1376: 27).

با توجه به نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار که در مبانی نظری پژوهش به آن اشاره شد برای رسیدن به این هدف مولفه‌های متعددی تعریف شده، نهایتاً نگارندگان سعی کردند تا مولفه‌هایی که بیشترین توافق روی آن صورت گرفته و قابلیت پیاده شدن در محله را برای رسیدن به شهری، شهروندمدار را دارند به عنوان مولفه‌های اصلی در نظر

بگیرند. این مولفه‌ها از موسسه (P.P.S)¹ که پروژه‌های فضای عمومی را در شهرهای مختلف انجام می‌دهند اقتباس شده است. پنج مولفه اصلی برای سنجش فضای عمومی که منجر به شکل‌گیری شهر شهروندمدار می‌شوند با توجه به هدف پژوهش در شکل شماره (1) مشاهده می‌شود. در ادامه به نقش هر یک از مولفه‌ها و تاثیر فضای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار توضیح داده خواهد شد.



شکل (1) مولفه‌های فضای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار با اقتباس از موسسه (P.P.S)

منبع: نگارندگان

شهروندی و فضای عمومی

تحقیقات نشان می‌دهد که رفتارهای شهروندی^۲ با فضاهای شهری قابل کنترل است چون فضاهای شهروندمدار به افزایش امنیت محیط کمک می‌نماید زیرا افزایش حضور مردم افزایش امنیت و تعاملات مثبت را در پی دارد و افزایش تعاملات به شکل‌گیری گروه‌ها با ویژگی‌های مشترک و مطلوب منجر می‌شود. فضای عمومی با انعطاف‌پذیری خود برای گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی مختلف، موارد متنوعی را ایجاد میکند تا افراد گروه مرتبط با خود را به راحتی پیدا نموده و به آن جمع احساس تعلق نمایند. فضایی که حس تعلق قوی داشته باشد خاطره

¹ Project Public Space موسسه‌ای غیر انتفاعی در نیویورک که در سال 1975 توسط فرد کنت به منظور ایجاد، حفظ برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهر به منظور گسترش کار معمار مشهور ویلیام وایت نویسنده کتاب زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک تاسیس شد. (www.wikipedia.org) این موسسه تاکنون بیشتر 3000 پروژه در بیش از 45 کشور و 50 ایالت آمریکا را انجام داده است. و مرکز برتر برای بهترین شیوه، اطلاعات و منابع در خصوص ساخت مکان‌هایی مردمی می‌باشد. بیش از 900 نفر در سراسر جهان از اعضای شورای رهبری در ساخت مکان‌های مردمی این موسسه هستند (www.pps.org).

² اپل بام رفتار شهروندی را مجموعه‌ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری می‌داند که بخشی از وظایف رسمی فرد نیستند، اما با این وجود توسط فرد انجام و باعث بهبود مؤثر وظایف و نقشهای افراد می‌شود.

انگیز بوده، وابستگی، عزت و اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد و انگیزه حضور مجدد را در افراد بالا می‌برد، و شهروندی را رشد می‌دهد (نصرآبادی و همکاران، 1390: 106).

سرزندگی و فضای عمومی

طراحان در شرایط رقابت جهانی، جهت کسب سهم بیشتر از سرمایه‌ها، استعدادها، خلاقیت‌ها و توجه جامعه بین‌المللی، سرزندگی را به عنوان ابزار مؤثری جهت ارتقاء توان رقابتی فضاها تلقی می‌نمایند. امروزه توجه صرف به جنبه کمی طراحی و برنامه ریزی فضا و نگاه تک بعدی به آن، سبب کاهش کیفیت اغلب فضاهای عمومی شده است.

فضاهای عمومی با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌توانند شادابی و سرزندگی در شهرها و محلات آن را تأمین کنند (Paumier, 73, 2007). لنارد¹ فضا عمومی را سرزنده تعریف می‌کنید که دارای ویژگی‌های زیر باشد: 1) عرصه عمومی فعالیت‌ها، جشن‌ها و فستیوالها بسیاری را به وجود آورد و همه شهروندان را در کنار هم جمع کند. 2) همه شهروندان به هم اعتماد دارند و برای یکدیگر ارزش قایل هستند. 3) باعث گفتگو میان شهروندان می‌شود 4) دارای چندین عملکرد باشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... همانند آگورا یونان باستان 5) ملاحظیات زیباشناسانه دارد (کیت‌سیمور و تیمر، 1385: 32).

مشارکت، تعامل اجتماعی و فضای عمومی

از دیگر ارکان شهر شهروندمدار مشارکت است، فضاهای عمومی در شهر زمینه مشارکت مردم را فراهم آورده و آنها را باهم مرتبط می‌سازند. به همین دلیل مامفورد² به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحرک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاهای شهری تأکید دارد و ارتباطات یکجانبه و خودمحوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند. بر این اساس او با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است، زیرا در آن صورت ارزش‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان شهرنشین هر چه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاهای شهری کم رنگ می‌شود (شارع پور، 195: 1389). بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی و مشارکت صورت گیرد روی همین اصل هیبرت تنها راه حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی را، نه روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، بلکه در حوزه فعالیت فضاهای عمومی می‌داند (Gehl and Svarre, 74, 2013).

¹ Lenard

² Mumford

حس تعلق، هویت و فضای عمومی

فضاهای عمومی شهر در شکل‌گیری حس تعلق و هویت بخشی به شهرها نقش و جایگاه ویژه‌ای دارند. احساس تعلق و هویت به مکان در فضاهای شهری همواره مهم‌ترین عامل برای دوام و پایداری آن، چه به لحاظ کالبدی و فعالیتی و چه از نظر معنایی و هویتی بوده است. (Bagwell, and Evans, 55, 2012). شهر از درون این فضاها تجلی می‌یابد و رویت می‌شود و این فضاها هستند که عملاً چهره ظاهری شهر را به نمایش می‌گذارند و در گام نخستین، اصلی‌ترین عناصر سازنده و شکل‌دهنده هویت شهر در این مکان‌ها به چشم می‌خورد. (Agnew, 15, 2011). فضای عمومی فضایی است هویت‌ساز، نسبی و تاریخی که هرگز به طور کامل از میان نمی‌رود.

گذران اوقات فراغت و فضای عمومی

فضای عمومی متعلق به عموم است و عموم برای تعامل، تفریح، فراغت، گردهمایی در این فضا جمع می‌شوند. فضاهای عمومی بخش مهمی از نیازهای شهروندان به خصوص نیازهای فراغتی را تامین می‌کنند. در نهایت، گذران فراغت در زندگی شهری بدون در نظر گرفتن فضاهای عمومی بی‌معناست (مدنی‌پور، 1384: 79). لذا پیش از هر برنامه‌ریزی جهت فراغت به دست آوردن شناخت از ویژگی‌های فضاهای عمومی شهری ما را هر چه بیشتر به این مهم نزدیک‌تر می‌نماید، زیرا گذران اوقات فراغت مانند هر فعالیت فردی و اجتماعی به محیط کالبدی که قابلیت بر طرف کردن نیازهای فعالیتی و روانی آن را داشته باشد نیاز دارد در این میان فضاهای عمومی و با کیفیت شهری می‌توانند بسیاری از نیازهای اوقات فراغت را برآورده سازند. (فلاح و کلامی، 1388: 83).

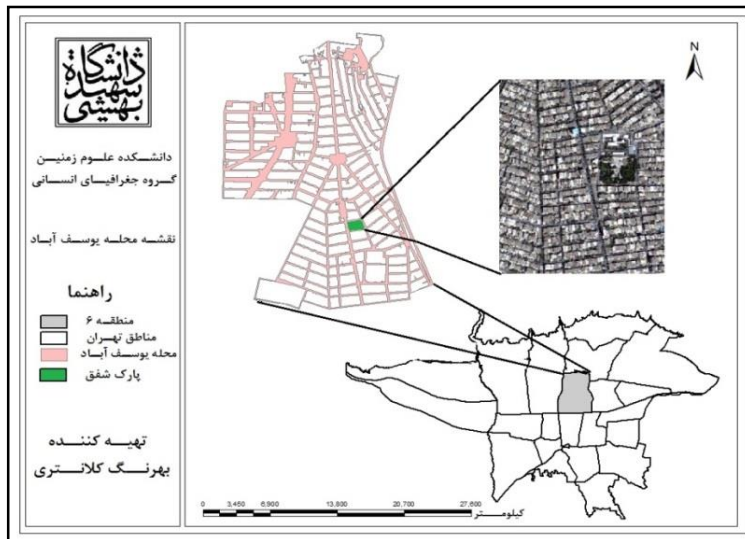
3- روش تحقیق پژوهش

رویکرد حاکم بر تحقیق، رویکردی توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که از روش تحلیل داده‌های ثانویه (اسنادی) جهت گردآوری اطلاعات در بخش‌های مبانی نظری و ادبیات مرتبط با تحقیق استفاده گردید همچنین از روش‌های میدانی و پیمایشی مانند تهیه پرسش‌نامه و مصاحبه با ساکنین محله استفاده شده است. قلمرو مکانی تحقیق محله یوسف آباد را در برمی‌گیرد. جامعه آماری شامل 120 نفر از ساکنین محله یوسف آباد می‌باشد که همگی از پارک شفق به عنوان تنها فضای عمومی محله استفاده می‌کنند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با سطح اطمینان 95 در صد 120 تن برآورد شده است. صفت آماری برای تعیین p, q تجربی با استفاده از نمونه راهنما، در نظر گرفته شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از نرم افزار SPSS و روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده گردیده است.

1-3- محدوده مورد مطالعه

فضای عمومی (پارک شفق)

پارک شفق به عنوان یکی از پارک‌های محله‌ای تهران عمل می‌نماید. این پارک در محله 4 (یوسف آباد) منطقه 6 شهرداری تهران واقع شده است. پارک شفق مساحتی در حدود 1/8 هکتار را در بر می‌گیرد که در بافت مسکونی شهر، واقع شده و دسترسی به آن از خیابان اصلی سید جمال الدین (یوسف آباد) امکان پذیر می‌شود. در مجموع فاصله مناسب پارک از خیابان اصلی و فرعی و سهولت دسترسی به آن عامل عمده‌ای در جذب مراجعین به این پارک محسوب می‌شود به نحوی که توزیع زمان‌های استفاده مراجعین در دفعات روز، هفته و... در پارک شفق از تداوم و همگونی بیشتری نسبت به پارک‌های بزرگتر برخوردار است. شعاع نفوذ پارک عامل دیگری در طراحی پارک محله‌ای محسوب می‌شود و پارک شفق نیز چون در محله واقع شده است، به خاطر موقعیت خود پیمودن فاصله کمتری را برای استفاده کنندگان محلی و محله‌های اطراف الزامی می‌سازد. این امر از قابل دسترس بودن و انگیزه استفاده از آن ناشی می‌شود. حریم پارک نسبت به محیط اطراف (خیابان) و امنیت و پاکیزگی پارک آرامش و صفای آن تاثیر مطلوبی در نحوه استفاده از پارک ایجاد می‌کند. انتخاب محل مناسب برای پارک بسیار مهم است؛ بدین معنی که با ایجاد فضای سبز و انتخاب درست زمین باید نظم و تعادل در مساخت مورفولوژی (کالبدی) شهر به وجود آید تا این انتخاب بتواند حتی در نقاطی که بافت انسجام خود را از دست داده به عنوان اتصال دهنده بافت‌های مختلف در کنار هم عمل نماید. پارک شفق دارای این خصیصه مهم می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های مهم این پارک قرار داشتن سرای محله، شورایاری محله، سالن آمفی تئاتر و تماشاخانه محله در این پارک است که سبب جذب ساکنین محله به این پارک شده است.



شکل (2) موقعیت جغرافیایی پارک شفق در محلّه یوسف آباد

منبع: نگارندگان

4- یافته‌های پژوهش

در هر تحقیق علمی، محقق ناگزیر است برای پاسخ سوال تحقیق، پاسخی فرضی تهیه کند و تصویری از چگونگی مسئله در ذهن خود بسازد. البته او بر مبنای مطالعات اولیه، بررسی‌ها، مشاهدات و تفکر و... این کار را انجام می‌دهد. هدف محقق نیز گردآوری اطلاعات به روش صحیح و علمی و همچنین تجزیه و تحلیل آنهاست تا از این طریق بتواند پاسخ مسئله تحقیق را بیابد و فرضیه یا فرضیه‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد.

شاخص پژوهش

شاخص‌ها می‌توانند منجر به تصمیم‌های بهتر و کارکردهای موثرتری با ساده کردن، واضح کردن و در برداشتن مجموعه‌ای از اطلاعات موجود برای سیاست‌گذاران شوند. بنابراین با توجه به موارد فوق، شاخص‌های زیر در قالب جدول (1) برای انجام این پژوهش انتخاب شدند.

جدول (1) شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

شاخص	مولفه
دسترسی 24 ساعته	سرزندگی
وجود فعالیت‌های شاد و زندگی بخش	
طراحی کالبدی	
تنوع فعالیت‌ها	
دعوت‌کنندگی	
وسایل و تجهیزات موجود در پارک شفق	گذران اوقات فراغت
راحتی و آسایش	
مکان یابی فضاها و فراغتی در فضای عمومی	
تمایل به گذران اوقات فراغت	
مشکلات موجود در پارک در گذران اوقات فراغت	حس تعلق و هویت
میزان علاقه مندی به پارک محله	
مدت زمان سکونت	
محل تولد ساکنین	
شناخت مرزهای پارک و محله از محلات همجوار	
عامل هویت بخش	شهروندی
خاطره انگیز بودن	
برخورداری از حقوق شهروندی	
متعلق بودن فضای عمومی به شهروندان	
مدیریت فضای عمومی	مشارکت
مسئولیت‌پذیری شهروندان	
تعامل، گفت و گو و ارتباط	
آشنایی و شناخت همسایگان بایکدیگر	
نظر خواهی در مورد بهبود فضای عمومی	
مشارکت در نظافت و بهداشت فضای عمومی	فضای عمومی
انجام فعالیت‌های داوطلبانه در فضای عمومی	
آشنایی با فضای عمومی محله	
جامعیت فضای عمومی	
مشارکت در فضای عمومی	
کافی بودن فضای عمومی	
دلایل استفاده از فضای عمومی	
مراجعه به فضای عمومی	
تنوع فعالیت‌ها در فضای عمومی	
استفاده‌کنندگان از فضای عمومی	
زمان استفاده از فضای عمومی	
علاقه مندی به فضای عمومی	
کیفیت و کمیت فضای عمومی	
رضایت از مدیریت فضای عمومی	
قابلیت دسترسی به فضای عمومی	
ساعت استفاده از فضای عمومی	

منبع: نگارندگان

آمار توصیفی

58 درصد پاسخ دهندگان زنان و باقی را مردان تشکیل می‌دهند. نتایج پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که 62 درصد از ساکنین محله یوسف آباد متولد تهران و 38 درصد متولد سایر شهرستان‌ها بوده‌اند. از این آمار می‌توان چنین استنباط کرد که بخش عمده‌ای از ساکنین یوسف آباد با شناخت نسبتاً کافی از مناطق تهران و با داشتن گزینه انتخاب در مناطق مختلف شهر، محله یوسف آباد را آگاهانه برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند. همچنین در خصوص مدت اقامت ساکنین، نتایج پرسشنامه بدین صورت است که؛ 88 درصد از ساکنین دارای سابقه سکونت بیش از ده سال در محله یوسف آباد بوده‌اند (12 درصد کمتر از ده سال، 20 درصد بین 10 تا 20 سال، 37 درصد بین 20 تا 30 سال و 31 درصد بیش از 30 سال). حدود 3 درصد پاسخ دهندگان تحصیلات زیر دیپلم، 54 درصد تحصیلات دیپلم، 30 درصد کارشناسی، کارشناسی ارشد 11 درصد و دکترا 2 درصد را دارا بودند. بنابراین سطح تحصیلات در محله در سطح نسبتاً بالایی ارزیابی می‌شود. نتایج پرسشنامه در مورد هر کدام از مولفه‌های پژوهش در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول (2) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شاخص تعامل و مشارکت

میزان تعامل و مشارکت	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی مقادیر معلوم	درصد تجمعی
خیلی کم	8	6/7	6/7	6/7
کم	5	4/2	4/2	36/7
متوسط	47	39/2	39/2	75/8
زیاد	24	20/0	20/0	95/8
خیلی زیاد	36	30/0	30/0	100/0
جمع	120	100/0	100/0	

منبع: نگارندگان

جدول (3) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شاخص سرزندگی

میزان سرزندگی	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی مقادیر معلوم	درصد تجمعی
خیلی کم	3	2/5	2/5	2/5
کم	7	5/8	5/8	18/3
متوسط	28	23/3	23/3	70/8
زیاد	63	52/5	52/5	94/2
خیلی زیاد	19	15/8	15/8	100/0
جمع	120	100/0	100/0	

منبع: نگارندگان

جدول (4) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شاخص حس تعلق و هویت

حس تعلق و هویت	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی مقادیر معلوم	درصد تجمعی
خیلی کم	11	7/5	7/5	17/5
کم	12	8/0	8/0	38/3
متوسط	25	20/8	20/8	61/7
زیاد	28	23/3	23/3	85/0
خیلی زیاد	44	40/4	40/4	100/0
جمع	120	100/0	100/0	

منبع: نگارندگان

جدول (5) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شاخص گذران اوقات فراغت

حس گذران اوقات فراغت	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی مقادیر معلوم	درصد تجمعی
خیلی کم	3	2/5	2/5	2/5
کم	5	4/2	4/2	36/7
متوسط	28	23/3	23/3	51/7
زیاد	48	40/0	40/0	68/3
خیلی زیاد	36	30/0	30/0	89/8
جمع	120	100/0	100/0	

منبع: نگارندگان

جدول (6) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شاخص شهروندی

میزان شهروندی	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی مقادیر معلوم	درصد تجمعی
خیلی کم	10	8/3	8/3	8/3
کم	14	11/7	20/0	28/3
متوسط	48	40/0	40/0	68/3
زیاد	24	20/0	20/0	88/3
خیلی زیاد	24	20/0	11/7	100/0
جمع	120	100/0	100/0	

منبع: نگارندگان

جدول (7) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس شاخص فضای عمومی

فضای عمومی	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی مقادیر معلوم	درصد تجمعی
خیلی کم	8	6/7	6/7	6/7
کم	10	8/3	8/3	20/2
متوسط	24	20/0	20/0	36/7
زیاد	31	25/8	25/8	70/8
خیلی زیاد	47	39/2	39/2	94/2
جمع	120	100/0	100/0	

منبع: نگارندگان

بر اساس نتایج پرسشنامه در هر یک از مولفه‌ها با توجه به جداول بالا، شرایط مطلوبی را محله یوسف آباد دارا می‌باشد. مولفه‌ی مشارکت با توجه به اینکه 50 درصد گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد محله را به خود اختصاص داده است، مطلوب ارزیابی می‌شود. شاخص‌های مولفه‌ی سرزندگی در محله یوسف آباد با مجموع 67 درصد گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد در وضعیت بالاتر از میانگین قرار دارند و پارک شفق دارای سرزندگی بسیار خوبی است. در مولفه حس تعلق و هویت 63 درصد پاسخگویان به گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد پاسخ داده‌اند. در مولفه گذران اوقات فراغت وضعیت بسیار مطلوب ارزیابی می‌شود به طوری که تنها 6 درصد از پاسخگویان به گزینه‌های کم و خیلی کم پاسخ داده و 70 درصد آن‌ها به گزینه زیاد و بسیار زیاد پاسخ داده‌اند. در مولفه شهروندی نیز وضعیت مطلوبی مشاهده می‌شود.

آزمون فرضیه

همبستگی مولفه‌های پژوهش و فضای عمومی

برای تایید یا رد فرضیه، ما بین هر یک از متغیرهای مستقل بالا (تعامل و مشارکت، سرزندگی، حس تعلق و هویت، گذران اوقات فراغت، و شهروندی) با متغیر وابسته (فضای عمومی) همبستگی گرفتیم. برای رد یا تایید این فرضیه چون گویه‌های مربوط به هر دو متغیر، Compute شده بود لذا هر کدام از دو متغیر باید فاصله‌ای تلقی شوند و بنابراین باید از آزمون پیرسون استفاده کرد.

بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان سرزندگی ساکنین آن رابطه وجود دارد.

جدول(8)همبستگی پیرسون فضای عمومی و سرزندگی

		سرزندگی
فضای عمومی	Pearson Correlation	.412(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	120

CCorrelation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

منبع: نگارندگان

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان سرزندگی ساکنین آن، با توجه به اینکه سطح معناداری آن از 0/01 کمتر است، از نظر آماری معنی دار است. لذا این فرضیه تایید و فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد.

دلایل اینکه چرا فضا عمومی سبب سرزندگی محله می‌شود در زیر آورده شده است:

- پارک شفق به عنوان تنها فضای عمومی محله امکان برگزاری جشن‌ها و فستیوال‌ها و فعالیت‌های متنوع هنری و فرهنگی در آن وجود دارد.
 - وجود سالن آمفی تئاتر در پارک سبب شده است که از آن برای برگزاری جشن‌ها و فعالیت‌های هنری استفاده شود.
 - حضور و دعوت‌کنندگی شهروندان و ساکنین به دلیل تنوع فعالیت‌ها به خاطر وجود کتابخانه، فرهنگسرا و سرای محله با برگزاری برنامه‌ها و خدمات گوناگون باعث سرزندگی بیشتر این فضا شده است.
 - انجام فعالیت‌های شامگاهی. پارک شفق به دلیل امکانات موجود در پارک و روشنایی و امنیت قابل قبول توانسته است امکان انجام فعالیت‌های شامگاهی را فراهم بیاورد. البته بیشتر فعالیت‌های شامگاهی توسط جوانان و نوجوانان انجام می‌شود.
 - حس تعلق داشتن به فضای عمومی
 - انجام فعالیت‌های مشارکتی در فضای عمومی
 - دسترسی مناسب
 - امکان گذران اوقات فراغت در فضای عمومی
- بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و گذران اوقات فراغت ساکنین آن رابطه وجود دارد.

جدول (9) همبستگی پیرسون فضای عمومی و گذران اوقات فراغت

	گذران اوقات فراغت	
فضای عمومی	Pearson Correlation	.352(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	120

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

منبع: نگارندگان

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان بالای 99 درصد ($\text{sig}=0.00<01$) معنی دار است و فرضیه صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود. لذا این فرضیه تایید و فرضیه صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و گذران اوقات فراغت ساکنین آن رابطه وجود دارد.

دلایل اینکه چرا فضا عمومی سبب گذران اوقات فراغت می‌شود در زیر آورده شده است:

- راحتی و آسایش که ساکنین محله در آن دارند.
 - دسترسی مناسب به طوری که اکثر افراد که به فضای عمومی مراجعه می‌کنند کمتر از 10 دقیقه با پارک شفق فاصله دارند.
 - تجمع فعالیتهایی مانند سرای محله، فرهنگسرا، کتابخانه، آمفی تئاتر و... در پارک شفق به عنوان فضای عمومی نقش بسیار مهمی در گذران اوقات فراغت ساکنین محله دارد.
 - وجود فضاهایی مشخص در فضای عمومی برای برپایی جشن‌ها و فعالیتهای فرهنگی در گذران اوقات فراغت نقش مهمی دارد. از جمله این فضاها فرهنگسرا و آمفی تئاتر پارک شفق است.
 - امکان انجام فعالیت‌ها مشارکتی و تعامل را در فضای عمومی
 - احساس امنیت خوب در فضای عمومی
- بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان هویت و حس تعلق ساکنین آن رابطه وجود دارد.

جدول (10) همبستگی پیرسون فضای عمومی و حس تعلق

	حس تعلق و هویت	
فضای عمومی	Pearson Correlation	.429(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	120

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

منبع: نگارندگان

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه این دو متغیر از نظر آماری معنی دار است. بنابراین فرض وجود رابطه بین این متغیرها تایید و فرض عدم وجود رابطه رد می‌شود. لذا نتیجه می‌گیریم که رابطه معناداری بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان حس تعلق و هویت ساکنین آن وجود دارد. دلایل اینکه چرا فضا عمومی محدوده مورد مطالعه سبب حس تعلق و هویت جمعی و خاطره‌انگیزی می‌شود در زیر آورده شده است:

- مدت زمان سکونت. از آنجایی که اکثریت ساکنین محله یوسف آباد 71 درصد بالای 15 سال در محله زندگی کرده‌اند به همین دلیل حس تعلق بالایی به فضای عمومی محله خود داشتند
 - محله قبلی سکونت آن‌ها در یوسف آباد بوده است به همین دلیل حس تعلق به فضای عمومی محله خود دارند.
 - بسیاری از پرسش‌شوندگان در یوسف آباد متولد شده‌اند و در این فضا خاطره دارند به همین دلیل حس تعلق و میزان علاقه‌مندی به فضای عمومی بسیار زیاد است.
 - قدمت پارک شفق به عنوان تنها فضای عمومی محله. این پارک از زمان شکل‌گیری محله در یوسف آباد وجود داشته است.
 - پارک شفق به عنوان عنصر تمایز از سایر محلات شناخته می‌شود به طوری که اکثریت محله یوسف آباد را با این پارک و میدان کلاتتری می‌شناسند
 - نام یوسف آباد در خاطره‌انگیزی و هویت بخشی بسیار تاثیر گذار بوده است
- بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان شهروندمداری ساکنین آن رابطه وجود دارد.

جدول (11) همبستگی پیرسون فضای عمومی و شهروندمداری

		شهروندمداری
فضای عمومی	Pearson Correlation	.232(*)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	120

Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

منبع: نگارندگان

همان‌گونه که در جدول (4) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون پیرسون نشان می‌دهد که مقدار پیرسون در این رابطه 0/232 و جهت رابطه نیز مثبت است همچنین میزان sig 0/00 است که کوچکتر از 0/01 است بنابراین رابطه این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان 99٪ معنی دار است. لذا این فرضیه تحقیق تایید و فرضیه صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد

می‌شود. نتیجه می‌گیریم که رابطه معناداری بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان شهروندمداری ساکنین آن رابطه وجود دارد.

دلایل این که چرا فضای عمومی سبب شهروندی می‌شوند در زیر آورده شده است:

- استفاده از فضای عمومی محله یوسف آباد در برگزاری جشنواره‌های مردمی که توسط انجمن‌های محلی برگزار می‌شود خود نوعی حرکت به سمت حقوق شهروندی و احترام به خواسته و نیازهای شهروندان است.

- امکان استفاده گروه‌های مختلف سنی از فضای عمومی و عدم ممانعت در ورود افراد به فضای عمومی

- جامعیت فضا. با توجه به اینکه افراد مسیحی هم در محله زندگی می‌کنند و یکی از شرط‌های فضای عمومی آزادی دسترسی به این فضاها بدون توجه به نژاد و دین و قومیت و مذهب است فضای عمومی تمامی قشرها و فرهنگ‌ها در خود پذیرا می‌باشد.

- تمایل به انجام کارهای داوطلبانه در فضاهای عمومی که در طول سال برخی از این فعالیت‌های صورت گرفته است مثل مراقبت و نگهداری از فضای عمومی (کاشت درخت و گل در فضای عمومی)

- مسئولیت‌پذیری بسیاری از شهروندان در تذکر دادن به افراد در قبال انجام‌های کارهای غیر قانونی چرا که نسبت به فضای عمومی خود حس تعلق دارند و این فضا را برای خود می‌دانند.

بین فضاهای عمومی محدوده مورد مطالعه و میزان مشارکت و تعامل ساکنین رابطه وجود دارد.

جدول (12) همبستگی پیرسون فضای عمومی و تعامل، مشارکت

	تعامل و مشارکت	
فضای عمومی	Pearson Correlation	.259(*)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	120

*Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed)

منبع: نگارندگان

برای بررسی رابطه بین دو متغیر، با توجه به مقیاس متغیرها از آزمون پیرسون استفاده کردیم. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که مقدار پیرسون در این رابطه $0/259$ و جهت رابطه نیز مثبت است، همچنین میزان sig رابطه $0/00$ است که کوچکتر از $0/01$ است بنابراین رابطه آماری با سطح اطمینان 99% معنی دار است و فرضیه صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه

رد می‌شود. لذا این فرضیه تایید و فرضیه صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. دلایل نقش فضای عمومی مورد مطالعه در مشارکت، تعامل در زیر آورده شده است.

- آشنایی، ارتباط و شناخت همسایگان از طریق فضای عمومی
- تعامل و گفتگو با شهروندان در فضای عمومی
- کمک به حل مسایل و مشکلات محله از طریق حضور افراد مختلف، بزرگان محله و مدیران محله در ساعاتی از روز در فضای عمومی
- علاقه‌مندی به انجام کارهای داوطلبانه‌ای که در پارک صورت می‌گیرد مانند برگزاری جشن‌ها و مراسم‌ها
- سرزندگی فضای عمومی که سبب حضور و دعوت کنندگی شهروندان به فضای عمومی می‌شود نقش مهمی سبب ترغیب بیشتر ساکنین برای مشارکت شده است.
- حس تعلق و خاطره جمعی به فضای عمومی محله روحیه همکاری و تعاون و مشارکت را در ساکنین تقویت کرده است.

آزمون رگرسیون

برای پی بردن به قدرت پیش بینی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چند متغیره Stepwise استفاده کردیم که خروجی‌های آن در جدول شماره (13) به همراه تفسیر آورده شده است.

جدول (13) Variables Entered/Removed(a)

Method	Variables Entered	Model
Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100).	حس تعلق و هویت	1
Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100).	سرزندگی	2
Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100).	گذران اوقات فراغت	3
Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100).	مشارکت	4
Stepwise (Criteria: Probability-of-F-to-enter <= .050, Probability-of-F-to-remove >= .100).	شهروندی	5

a Dependent Variable: فضای عمومی

منبع: نگارندگان

خروجی جدول شماره (13) متغیرهای وارد شده و خارج شده را به همراه متغیر وابسته (فضای عمومی) لیست کرده است. مشاهده می‌شود که متغیرهای شهروندی، گذران اوقات فراغت، سرزندگی، مشارکت و حس تعلق وارد معادله رگرسیون شده‌اند و از روش گام به گام استفاده شده است.

جدول (14) Model Summary

مدل	R	Rمجذور	Rضریب تعدیل شده	برآورد انحراف استاندارد
1	.354(a)	.125	.118	1.93674
2	.459(b)	.211	.197	1.84709
3	.489(c)	.239	.219	1.82158
4	.529(d)	.280	.254	1.78025
5	.579(f)	.340	.290	1.6802

a Predictors: (Constant), حس تعلق

b Predictors: (Constant), حس تعلق, سرزندگی

c Predictors: (Constant), حس تعلق, سرزندگی, گذران اوقات فراغت

d Predictors: (Constant), حس تعلق, سرزندگی, مشارکت, گذران اوقات فراغت

f Predictors: (Constant), حس تعلق, سرزندگی, مشارکت شهروندمداری, گذران اوقات فراغت

منبع: نگارندگان

خروجی جدول شماره (14) نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها 0/57 است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ($R^2 \text{ adj}$) برابر با 0/34 می‌باشد. نشان می‌دهد که 34 درصد از کل تغییرات میزان فضای عمومی وابسته به متغیرهای شهروندی، گذران اوقات فراغت، حس تعلق و هویت جمعی و سرزندگی، و مشارکت در این معادله می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل 34 درصد از واریانس متغیر فضاها را پیش بینی می‌کنند.

جدول (15) ANOVA(e)

Model		جمع مجذورات	df	مجذور میانگین	F	Sig.
1	Regression	63.254	1	63.254	16.864	.000(a)
	Residual	442.612	118	3.751		
	Total	505.867	119			
2	Regression	106.692	2	53.346	15.636	.000(b)
	Residual	399.175	117	3.412		
	Total	505.867	119			
3	Regression	120.959	3	40.320	12.151	.000(c)
	Residual	384.908	116	3.318		
	Total	505.867	119			
4	Regression	141.399	4	35.350	11.154	.000(d)
	Residual	364.468	115	3.169		
	Total	505.867	119			
5	Regression	169.456	5	31.310	10.153	.000(f)
	Residual	356.31	114	3.216		
	Total	505.867	119			

a Predictors: (Constant), حس تعلق

b Predictors: (Constant), حس تعلق, سرزندگی

c Predictors: (Constant), حس تعلق, سرزندگی, گذران اوقات فراغت

- d Predictors: (Constant), گذران اوقات فراغت, سرزندگی, حس تعلق
- f Predictors: (Constant), مشارکت, گذران اوقات فراغت, سرزندگی, حس تعلق
- e Dependent Variable: فضای عمومی

منبع: نگارندگان

جدول شماره (15) آنالیز واریانس داده‌ها مقبولیت مدل را از منظر آماری بررسی می‌کند آنالیز واریانس داده‌ها نشان می‌دهد که این رگرسیون از نظر آماری معنادار است ($p < 0/01$) و تغییرات نشان داده شده به وسیله مدل اتفاقی نیست. با توجه به معنی داری مقدار F (31.31) در سطح خطای کوچکتر از 0/01، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از 5 متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل نسبتاً خوبی است و مجموعه 5 متغیر مستقل قادرند بخشی از تغییرات فضای عمومی را تبیین کنند.

جدول (16) ضرایب تاثیر رگرسیونی بتا (a) Coefficients

Model		ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده	t	معناداری B
		B	انحراف استاندارد	Beta		
1	(Constant)	7.036	1.093		6.435	.000
	شهروندمداری	.137	.033	.254	4.107	.000
2	(Constant)	5.511	1.127		4.891	.000
	شهروندمداری	.117	.032	.350	3.595	.000
	گذران اوقات فراغت	.197	.055	.298	3.568	.001
	(Constant)	4.063	1.313		3.096	.002
3	شهروندمداری	.110	.032	.282	3.405	.001
	گذران اوقات فراغت	.194	.054	.293	3.564	.001
	حس تعلق و هویت جمعی	.052	.025	.299	2.074	.040
4	(Constant)	5.578	1.415		3.943	.000
	شهروندمداری	.117	.032	.242	3.711	.000
	گذران اوقات فراغت	.199	.053	.281	3.741	.000
	حس تعلق و هویت جمعی	.078	.027	.306	2.954	.004
	سرزندگی	.072	.028	.281	2.540	.012
5	(Constant)	6.124	1.132		3.161	.000
	شهروندمداری	.112	.032	.241	3.51	.000
	گذران اوقات فراغت	.196	.052	.282	3.245	.001
	حس تعلق و هویت	.061	.026	.305	2.234	.04
	سرزندگی	.069	.027	.303	2.123	.011
	مشارکت	.051	.032	.265	2.789	.012

a Dependent Variable: فضای عمومی

منبع: نگارندگان

جدول شماره (16) ضرایب تاثیر رگرسیونی بتا (Beta)، تاثیر رگرسیونی هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. بر اساس ضرایب رگرسیونی: اولاً، متغیرهای شهروندمداری، گذران اوقات فراغت، حس تعلق و هویت، سرزندگی و مشارکت بر متغیر فضای عمومی معنی دار است. ثانیاً، حس تعلق، هویت و خاطره جمعی، و سرزندگی، با ضریب رگرسیونی 0/30 بالاترین تاثیر رگرسیونی بر روی متغیر وابسته را دارد. و گذران اوقات فراغت با ضریب 0/28 و مشارکت ضریب 0/26 بعد از دو متغیر مذکور، بیشترین تاثیر رگرسیونی را بر فضاهای عمومی دارد. متغیر شهروندمداری با ضریب 0/24 در مرتبه بعدی قرار دارد.

معادله رگرسیونی:

$$y=B1x1+B2x2 + B3x3 + B4x4+B5x5$$

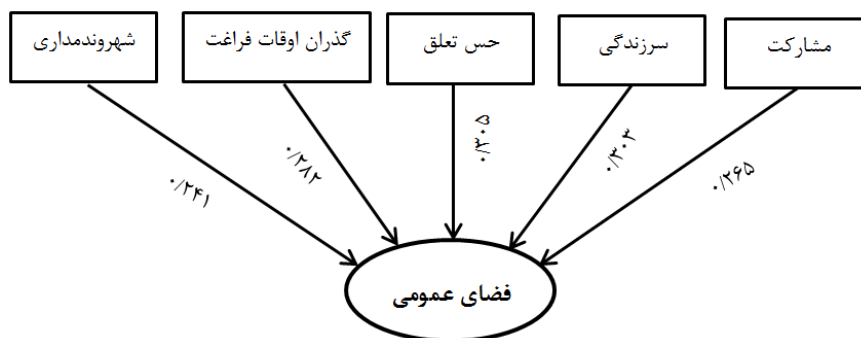
(مشارکت) 0/28+(سرزندگی) 0/30+(حس تعلق، هویت و خاطره جمعی) 0/30+(گذران اوقات فراغت) 0/28+(شهروندمداری) 0/24 فضای عمومی بر اساس این معادله، به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر حس تعلق، میزان فضاهای عمومی به میزان 0/30 انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

5- نتیجه گیری

فضاهای عمومی یک شهر مکان‌هایی هستند که شهروندان را به گرد هم می‌خواند و شهروندان را نسبت به شهر خود مسئول می‌سازد. افراد را از فضاهای خصوصی خود (اتومبیل، خانه، محل کار...) بیرون می‌کشاند و باعث می‌شوند که افراد نسبت به هم و نسبت و به فضا در تعامل قرار گیرند و روح حیات را به کالبد بی جان شهرها تزریق کنند، تا بار دیگر شهرها در تاریخ تمدن ساز و راهگشای پیشرفت‌های جامعه بشری شوند چرا که شهر از طریق فضاهای عمومی است که موجب زندگی جمعی بر پایه همبستگی و همیاری می‌شود و همان‌طور که در مبانی نظری مطرح شد این شهروندان هستند که شهر را می‌سازند و فضای عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند که مکان تماس، تعامل و ارتباط بین انسان‌ها است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار است. در واقع شکل‌گیری شهری که متعلق به شهروندان باشد و بتوانند از طریق فضاهای عمومی حس تعلق و هویت، گذران اوقات فراغت، سرزندگی، مشارکت و شهروندی خود را در آن به نمایش بگذارند در راستای این هدف، تعاریف مفهومی و عملیاتی خاصی از فضای عمومی و هر یک از مولفه‌ها که برگرفته از موسسه P.P.S بود؛ مبنای تدوین پرسشنامه قرار گرفت. در راستای نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری شهر شهروندمدار در این پژوهش یک سوال در رابطه با تاثیر فضای عمومی در گذران اوقات فراغت، سرزندگی، حس تعلق و هویت، سرزندگی، مشارکت مطرح شد. در رابطه با این سوال از طریق مولفه‌های مدنظر و آزمون پیرسون مشخص

کردیم که چگونه بین فضاهای عمومی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مورد نظر (مشارکت، شهروندی، حس تعلق، سرزندگی و گذران اوقات فراغت) همبستگی مستقیم، معناداری و مثبتی وجود دارد. لازم به ذکر است که بین فضای عمومی و متغیر حس تعلق با سطح معناداری 0/01 بیشترین سطح همبستگی با مقدار (R =0/429) و بعد از آن متغیر سرزندگی با سطح معناداری 0/01 با مقدار همبستگی (R =0/412) و بعد از آن متغیرهای گذران اوقات فراغت با همبستگی 0/352 و متغیر مشارکت با همبستگی 0/259 و متغیر شهروندمداری با همبستگی 0/232 همگی با سطح معناداری 0/01 به ترتیب بیشترین همبستگی را با فضای عمومی دارند. در نتیجه تقویت هر چه بیشتر فضاهای عمومی منجر به شکل‌گیری شهر شهروندمدار می‌شود.

همچنین از طریق آنالیز واریانس داده‌ها نشان داده شد که این رگرسیون از نظر آماری معنادار است ($p < 0/01$) و تغییرات نشان داده شده به وسیله مدل اتفاقی نیست و می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از 5 متغیر مستقل و یک متغیر وابسته مدل خوبی است و مجموعه 5 متغیر مستقل قادرند بخشی از تغییرات فضای عمومی را تبیین کنند. بر اساس ضرایب رگرسیونی: اولاً، متغیرهای شهروندی، گذران اوقات فراغت، حس تعلق و هویت، سرزندگی و مشارکت بر متغیر فضای عمومی معنی‌دار است. ثانیاً، حس تعلق و هویت با ضریب رگرسیونی 0/305 و سرزندگی با 0/303 بالاترین تاثیر رگرسیونی بر روی متغیر وابسته را دارند؛ و گذران اوقات فراغت با ضریب 0/282 و مشارکت ضریب 0/265 بعد از دو متغیر مذکور، بیشترین تاثیر رگرسیونی را بر فضاهای عمومی دارند؛ متغیر شهروندی با ضریب 0/241 در مرتبه بعدی قرار دارد. مدل تحلیل مسیر شکل (2) میزان تاثیرات متغیرهای مستقل بر فضای عمومی را نشان می‌دهد. در نتیجه فضاهای عمومی با توجه به پتانسیلی که دارند می‌توانند بستری را برای شکل‌گیری شهر شهروندمدار فراهم کنند.



شکل (2) مدل تحلیل مسیر

منبع: نگارندگان

منابع:

1. افروغ، عماد (1377)، فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران
2. اشرفی، یوسف، پوراحمد، احمد، رهنمایی، محمد تقی، رفیعیان، مجتبی (1393) مفهوم سازی و گونه شناسی فضای عمومی شهری معاصر، نشریه پژوهش های جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دوره 2، شماره 4، زمستان، ص 438
3. ایراندوست، کیومرث، غلامی زارچی، مصطفی (1394). ارتقای فرصت حضور و مشارکت مردم با استفاده از معرفی گونه‌های فضای عمومی شهر خلاق، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره 20 شماره 2، تابستان ص 48
4. تانکیس، فرن (1390)، فضا، شهر و نظریه های اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل های شهری، ترجمه: حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
5. پیران، پرویز (1376). شهر شهروندمدار 1 تا 6، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 119 تا 126، مرداد و شهریور 1376. صص 46 - 51
6. پاکزاد، جهانشاه (1389). سیراندیشه ها در شهرسازی از فضا تا مکان، جلد 3، انتشارات آرمانشهر
7. جیکویز، جیم (1388) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه دکتر حمیدرضا پارسی، آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
8. دانشپور، سید عبدالهادی، چرخچیان، مریم (1386). فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره 7، بهار و تابستان ص 19
9. شارع پور، محمود (1389)، جامعه شناسی شهر، انتشارات سمت، تهران
10. شجاعی، دلارام، پرتوی، پروین (1394) عوامل موثر بر ایجاد و ارتقای اجتماع پذیری در فضاهای عمومی بام قیاس های مختلف شهر تهران نمونه موردی: فضاهای عمومی دومحله و یک ناحیه در منطقه 7 تهران، نشریه باغ نظر، سال دوازدهم، شماره 34، پاییز ص 94
11. فلاحت، محمد صادق، کلامی، مریم (1387). تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان، نشریه مدیریت شهری، شماره 22، زمستان، ص 54
12. کاشانی جو، خشایار، (1389)، بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره 6، بهار و تابستان
13. کیت سیمور، نیکلا، تیمرونسا، (1385). پیش درآمدی بر شهرهای سرزنده. ترجمه لینا طاهری، جستارهای شهرسازی، شماره 32، ص 32
14. گل، یان، اسوار، بیگت (1394). بررسی زندگی فضای عمومی، مترجمان: محمد سعید ایزدی، سمانه محمدی، سمانه خبیری، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران
15. مدنی پور، علی (1384). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، چاپ دوم، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران

16. مارکوس، پیتر، کنولی، جیمز، نووی، جوهانز، اولیوو، انگیرید(1392) در جست و جوی شهر عدالت محور، مترجمان هادی سعیدی رضوانی، محبوبه کشمیری، انتشارات نشر شهر، تهران.
17. معروفی، حسین، وحیدی برجی، گل‌دیس(1394) فضا و تحقق پذیری حق شهری: شناسایی مولفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس، نشریه مطالعات شهری، شماره شانزدهم، پاییز 1394.
18. نصرآبادی، آمنه، نصرآبادی، حسنعلی، نصرآبادی، احمد (1390). تحلیلی بر فضای شهری مردم گرا و رابطه ی آن با رفتار شهروندی، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره پیاپی 43، سال 22، شماره سوم ، پاییز، صص 23-34
19. نظریان، اصغر، شوهانی، نادر(1390) توانمندسازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروندمدار در ایلام، نشریه چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی) سال ششم، شماره 16، پاییز
20. Agnew. J (2011) *Space and Place*, Chapter 23, University of California, Los Angeles, USA, 2011.
21. Bagwell.S, (2012), *Public Space Management Report to the Inter Cultural Cities Rerearch Programme*, Evans. G, Witting.A, Worpole. K, Cities. Institute, London Metropolitan University 2012.
22. Carmona. M ,(2010)., *Public Places Urban Spaces, The Dimensions of Urban Design*, Matthew.C ,Tim.H ,Taner.O, Steve. T. Routledge, England, August, 2010.
23. Gehl .J ,(2013), *How to Study Public Life* Svarre. B, Island Press, USA
24. Gehl.J & Lars,G.(2004). *Public Space, Public ,life* Melbourn: The Danish Architrctural Press.
25. Hagelskamp, C. (2003) ‘*Please touch: How Aachen’s public art adds to its public life*. *Project for Public Space Newsletter*, September 2003.
26. Madanipour,A (2012). *Challenges in the Co-production of Urban Spaces in National and International Context, Planning Theory and Urban Development*, Faculty of Architecture, RWTH Aachen University.
27. Mensch, J. (2007). Public space. *Continental Philosophy Review*, 40, pp. 31 – 47.
28. Paumier, Cy,(2007). “ *Creating a Vibrant City Center*”, (ULI) Urban Land Institute, Washington, D.C.
29. Sarvarzadeha & S.K, Syed Zainol, A. (2012). Problematic issues of citizen’s participation on urban heritage conservation in the historic cities of iran, social and behavioral sciences, vol.50, 214 – 225.